



فهرست مطالب

- ۲ تعابیر و صیغ مفید رجحان و بعث
- ۲ قسم اول تعابیری مانند کتابت و فرض
- ۲ قسم دوم تعابیر دال بر جعل شیء علی ذمه المکلف
- ۲ قسم سوم تعبیر حق
- ۲ قسم چهارم تعابیری مانند «فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ»
- ۲ قسم پنجم ادات و حروف تحریض و تمنی و ترجی
- ۳ قسم ششم: بیان مصالح و مفسد عمل
- ۳ بیان مفسد یک عمل
- ۳ بیان مصالح اعمال
- ۴ قسم هفتم بیان توصیفات یک طایفه ممدوح
- ۴ بحثی در دلالت یا عدم دلالت فعل معصوم بر بعث



بسم الله الرحمن الرحيم

تعبیر و صیغ مفید رجحان و بعث

بعد از بحث از ماده امر و صیغه امر و جمل خبریه در مقام انشاء، بحث چهارم در سایر تعبیر و صیغی است که مفید رجحان و بعث می‌باشد. این تعبیر و صیغ را می‌توان بر چند قسم تقسیم کرد.

قسم اول تعبیری مانند کتابت و فرض

این تعبیر دلالت بر وجوب می‌کند.

قسم دوم تعبیر دال بر جعل شیء علی ذمه المكلف

این تعبیر دلالت بر وجوب می‌کنند.

قسم سوم تعبیر حق

این تعبیر مفید وجوب می‌باشد.

قسم چهارم تعبیری مانند «فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ»

قسم چهارم از این تعبیر مفید بعث تعبیری مانند «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ» انفال/۴۱ و یا «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» انفال/۲۴، ۲۵ می‌باشد. این قسم تعبیر بالملازمه دلالت بر بعث و وجوب می‌کنند و وقتی برای شخصی حصه‌ای در اموال دیگری، تعیین می‌شود به این معنا است که باید به او پرداخت شود.

قسم پنجم ادات و حروف تحریض و تمنی و ترجی

قسم پنجم از تعبیری که مفید رجحان و بعث می‌باشند ادات تحریض و تمنی و ترجی و یا امثال این ادات می‌باشد. که ادات تحریض و توبیخ بر ترک فعلی مانند «فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ» توبه/۱۲۲ ظهور در بعث و جویی دارد و



منشأ این ظهور یا وضع و یا مقدمات حکمت و اطلاق می‌باشد. البته این ادات می‌توانند با قرینه در استحباب هم به کار روند. در ادات تمنی و ترجی مانند لیت و یا حبذا لیت و یا ینبغی دو احتمال وجود دارد.

۱. احتمال اول این است که بگوییم ظهور در استحباب دارد و افاده وجوب نیاز به قرینه دارد.
۲. احتمال دوم این است که بگوییم ظهور در رجحان مطلق که قدر جامع وجوب و ندب است، دارد. هرچند نتیجه عملی رجحان مطلق و استحباب یکی است اما این دو باهم تفاوت دارند. در این صورت افاده هرکدام از وجوب و یا استحباب نیاز به قرینه معینه دارد.

قسم ششم: بیان مصالح و مفاسد عمل

قسم ششمی که مفید رجحان و بعث می‌باشد، بیان مفاسد و مصالح اعمال می‌باشد.

بیان مفاسد یک عمل

- هرچند این قسم محل بحث نیست و در مبحث نواهی باید به آن پرداخته شود اما اجمالاً مطالبی را بیان می‌کنیم.
- بیان مفاسد یک عمل در آیات و روایات بر چهار قسم است.
۱. قسم اول این است که مفسده آن عمل، عذاب اخروی باشد. این قسم ظهور در نهی تحریمی دارد.
 ۲. قسم دوم این است بیان تزییقات و سختی‌های اخروی اما نه در حد عذاب مانند فشار قبر باشد که این قسم مفید نهی اما جامع بین کراهت و حرمت می‌باشد.
 ۳. قسم سوم بیان حزازت‌ها و منقصت‌های روحی دنیوی است.
 ۴. قسم چهارم بیان مفاسد و آثار مخرب دنیوی مانند از بین رفتن بدن در اثر حسادت، می‌باشد. قسم سوم و چهارم اگر در مقام مولوی باشد نه ارشادی ظهور در نهی مشترک است بین تنزیه و تحریم دارد.

بیان مصالح اعمال

هرچند می‌توان بیان مصالح اعمال را مانند بیان مفاسد به انواع مختلفی تقسیم کرد مانند اثر در حال احتضار و یا ورود به بهشت و یا آثار دنیوی مانند اینکه صله‌رحم موجب طول عمر یا افزایش روزی می‌شود و یا اینکه حسن خلق موجب افزایش رزق می‌شود اما به خلاف اقسام بیان مفاسد، همه این اقسام یک حکم بیشتر ندارد و آن ظهور در رجحان و قدر جامع بین استحباب و وجوب می‌باشد. افاده هرکدام از وجوب و استحباب نیاز به قرینه معینه دارد. البته



افاده این قدر جامع در صورتی است که بیان این مصالح مولوی باشد. البته اصل در دوران بین مولویت و ارشادیت، مولویت می‌باشد که در مبحث مولوی و ارشادی به تفصیل از آن بحث می‌شود.

قسم هفتم بیان توصیفات یک طایفه ممدوح

قسم هفتم از تعبیری که مفید رجحان و بعث می‌باشند، بیان عملی در سیاق توصیف یک طایفه ممتاز و ممدوح مانند متقین، عباد الرحمن، محسنین، مخلصین و نسبت اعمال به آن‌ها می‌باشد. این قسم چون در مقام مدح مولوی می‌باشد، ظهور در قدر جامع بین استحباب و وجوب، دارد و اکثر از این معنا از آن به دست نمی‌آید و هرکدام از وجوب و ندب نیاز به قرینه معینه دارد. البته بحث در نقطه مقابل و بیان اعمالی در ذم یک طایفه مذموم مانند اهل عذاب، هم جریان دارد که محل بحث از آن بحث نواهی می‌باشد.

بحثی در دلالت یا عدم دلالت فعل معصوم بر بعث

افاده بعث گاهی از قول معصوم است که تقسیماتی که بیان شد، مربوط به این قسم است که افاده بعث از قول معصوم باشد اما بحث دیگری که وجود دارد این است که آیا سیره و فعل معصوم نیز بر بعث دلالت می‌کند یا خیر؟ که در جلسه بعد به این مطلب می‌پردازیم.